

زیبایی‌شناسی خانه سنتی ایرانی: بازنشاسایی مؤلفه‌های زیبایی بر اساس مبانی برخاسته از زمینه (مطالعه موردی: شهر یزد)*

مهندس مریم سلیمانی**، دکتر کاظم مندگاری***

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۰۶/۰۶، تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۵/۰۲/۲۵

چکیده

زیبایی‌خاصیت وجود انسان و تمایل به آن از مختصات آدمی است که همواره مورد توجه خاص گذشتگان بوده است. شهر یزد نیز با توجه به سابقه تاریخی‌اش دارای معماری غنی است و می‌تواند زمینه‌ای برای استخراج معیارهای زیبایی در معماری باشد. در راستای دستیابی به این هدف، سعی شده بر اساس روش تئوری برخاسته از زمینه، شناسایی عناصر زیبایی‌بخش این خانه‌ها، بر اساس ادراک مصاحبه‌شونده‌های حاضر در فضا شکل بگیرد. در این روش به منظور مطالعات ژرف، هفت گونه از خانه‌های سنتی یزد انتخاب شدند. محقق با حضور مستمر در محیط و مصاحبه‌های ژرف و نظام‌مند با ساکنین، اقدام به ارزیابی زیبایی این خانه‌ها کرده است. به منظور افزایش روایی پژوهش، یافته‌ها در مقایسه تطبیقی با مبانی موجود قرار داده شدند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد: زیبایی طبیعت؛ نمود وحدت؛ تأکید بر جلوه فضا در دید ناظر و توجه به معانی نمادین، چهار عامل اصلی زیبایی‌بخش این خانه‌ها هستند.

واژه‌های کلیدی

زیبایی‌شناسی، ادراک زیبایی، خانه سنتی، شهر یزد

* این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد معماری با عنوان «ارزیابی کیفیت خانه‌های سنتی یزد در پاسخگویی به نیازهای روان-جمعی» است که به راهنمایی دکتر کاظم مندگاری و مشاوره دکتر حمید محمدی در دانشگاه یزد انجام یافته است.

Email: soleimani.raha@yahoo.com

** نویسنده مسئول، کارشناسی ارشد معماری، دانشگاه یزد، یزد، ایران.

Email: drkazem.mondegari@gmail.com

*** استادیار دانشکده هنر و معماری، دانشگاه یزد، یزد، ایران.

مقدمه

زیبایی‌شناسی

زیبایی‌شناسی از ریشه یونانی (Aisthanesthai) گرفته شده است که به معنی ادراک حسی است (بووی، ۱۳۸۵، ۱۲۰). و این بدان معنا است که تجربه زیباشناسی در سیر اعتلای خویش باید از قلمرو حس خارج و به حوزه معنایی و ذهنی وارد شود. بنابراین طبق تعریف می‌توان گفت زیبایی دارای دو گونه ویژگی است: ویژگی‌های بیرونی و دیدنی که با حواس انسان درک می‌شود و ویژگی‌های درونی و نادیدنی که با اندیشه و عقل انسان درک می‌شود. در ارتباط با این مفهوم دو دیدگاه برای زیبایی‌شناسی مورد تأمل قرار گرفته که عبارتند از:

زیبایی‌شناسی تجربی

زیبایی‌شناسی تجربی^۳ بر تجربیات فردی متکی بوده و دارای چهار موضع‌گیری است که عبارتند از: الف) رویکرد نظریه‌اطلاعات، که محیط را مجموعه‌ای از پیام‌های محرک می‌داند و لذت بخش بودن پیام را وابسته به ساختار اطلاعات می‌داند. در این رابطه به عقیده آبراهام مولس^۴ (۱۹۶۶) هر چه پیام منظم‌تر باشد مفهوم لذت بخش‌تر و زیباتر است. ب) رویکرد معناشناسی که به جای اتکا به الگوی ساختار محیط بر معنای عناصر محیط در تداعی آگاهانه میان موضوع یا اثر و یک انگاره متکی است (لنگ، ۱۳۹۰، ۲۱۰). ج) رویکرد نشانه‌شناسی که از زبان‌شناسی گرفته شده و نوعی گسترش معناشناسی است. این رویکرد با تأکید بر اهمیت زمینه در تداعی معانی، از طریق نشانه‌شناسی با نظام‌های فرهنگی معانی محیط‌های طبیعی و ساخته شده سروکار دارد (Berlyne, 1974). د) رویکرد روان‌شناسی زیست‌شناختی که ریشه در روان‌شناسی گشتالت دارد. طبق این رویکرد میزان انگیزتگی یک فرد با ادراک او از جالب بودن محیط همبستگی دارد. سطح انگیزتگی وابسته به ساختار محیط، شخصیت، انگیزش و نیازهای فردی است (Helson, 1948).

زیبایی‌شناسی نظری

زیباشناسی نظری^۵، مانند پژوهش‌های روان‌شناختی اولیه، بر تحلیل درونی و باورهای شخصی از مفهوم زیبایی و خوشایند بودن محیط استوار است. چنین تحلیل‌هایی تحت عنوان هرمنوتیک^۶ پدیدارشناسی^۷ وجودی^۸ و سیاسی^۹ که همگی فلسفی‌اند، انجام شده‌اند. هر کدام از این رویکردها به سهم خود به شناخت هنر کمک می‌کنند، ولی تنها گروهی از پژوهشگران مدل‌های ماهیت تجربه زیباشناختی را بر مبنای نظریه‌های روان‌شناختی و تحلیل درونی تدوین کرده‌اند که مکاتب مختلفی را دربر می‌گیرد (لنگ، ۲۰۸، ۱۳۹۰). از جمله یکی از این مکاتب که مورد توجه محقق است رویکرد ماشینی‌گرایی نظریه زیباشناسی است که زیبایی هنری را برانگیزاننده حواس انسان و تصویر ذهنی و تداعی حاصل از آن می‌داند. سانتایانا^{۱۰} (۱۸۹۶) بر مبنای رویکرد بوم‌شناختی بین ارزش‌های حسی، فرمی، بیان - تداعی‌کننده (نمادین) تمایز قائل شده است (Gibson, 1979).

ایران سرزمینی با معماری غنی است که همواره مورد تأمل و بررسی معماران و باستان‌شناسان مختلفی قرار گرفته است. آثاری چون مطالعات معماری ایران از استاد پیرنیا، بررسی ارزش‌های پایدار در معماری ایران اثر علی‌اکبر صارمی و مطالعات تیتوس بورکهارت^۱، سید حسین نصر و پیروان آنها چون نادر اردلان که با در نظر گرفتن اساسی‌ترین اصل سنت اسلامی، یعنی توحید، به بررسی معماری اسلامی ایران پرداخته‌اند. در حال حاضر نیز در باب ویژگی‌های معماری ایران مطالعاتی در باب معماری سنتی از صدیقه مسائلی (۱۳۸۸)، علیرضا عینی‌فر (۱۳۸۲) و ویدا تقوایی (۱۳۸۶) صورت گرفته که در آنها سعی شده ارزش‌های معماری سنتی با رویکردهای متفاوت و موضوعات مختلف مورد بررسی قرار بگیرد، در این راستا از آنجا که معماری سنتی از جانب کاربران و ناظرین مختلف مورد توجه بوده و در منابع متعدد به ارزشمندی آن اشاره شده است، می‌تواند مرجع خوبی برای کشف مفاهیمی چون زیبایی‌شناسی در فضای سکونتی باشد. درمورد زیباشناسی اندیشمندان زیادی در ادوار مختلف تاریخی و در مکتب‌های گوناگون بر پایه شناخت‌شناسی و جهان‌بینی خود نظریه داده و به تعریف زیبایی پرداخته‌اند (دورانت، ۱۳۷۸، ۲۱۹). گرایش‌های که جزیی از نیازهای ذاتی بشر است و به عنوان بخشی از فرهنگ قطعی او تلقی می‌شود (گروتز، ۱۳۷۵، ۹۸). به عقیده «مازلو»^۲ (۱۳۶۶) پاسخگویی به این نیاز می‌تواند برخی بیماری‌های روانی را درمان کند، چراکه برخی از افراد با دیدن زشتی، بیمار می‌شوند و با قرار گرفتن در محیط زیبا، بهبود می‌یابند. به همین دلیل انسان همواره سعی می‌کند هاله‌ای از زیبایی را بر زندگی خویش بگستراند و آن را در همه شئون زندگی خود دخالت دهد (گروتز، ۱۳۷۵، ۱۳۷۳؛ مطهری، ۱۳۸۰، نصر، ۱۳۸۰). از جمله زمینه‌هایی که می‌توان در آن، مفاهیم زیبایی را محقق کرد، هنر و معماری است و در صورتی که واجد زیبایی باشد آرامش بخش انسان است (گروتز، ۱۳۷۵). این پژوهش نیز به دنبال بررسی‌های انجام شده سعی کرده برای دستیابی به معیارهای زیبایی بخش فضای سکونتی معاصر، به شناسایی عوامل زیبایی‌بخش خانه‌های سنتی یزد از منظر ادراک‌کنندگان حاضر در فضاها پردازد. در این پژوهش محقق سعی کرده با استفاده از روش تئوری بر خاسته از زمینه، مؤلفه‌های زیبایی بخش خانه‌های سنتی شهر یزد را از منظر و ادراک ناظرین حاضر در فضا شناسایی کند. آگاهی از ترجیحات مردم می‌تواند کمک بسیاری به طراح شهری در ایجاد محیط‌های زیبا و با هویت نماید (امین‌زاده، ۱۳۸۹، ۱۲) در این روش به منظور روایی بیشتر، مؤلفه‌های به‌دست آمده در مقایسه تطبیقی با تئوری‌های از پیش موجود قرار داده شدند.

داده‌هایی را برای درک فرم‌های محیط فراهم می‌آورند. دوی وحدت را بالاترین ارزش فرمی دانسته است. وحدت از راه‌های مختلف از جمله ریتم یا تغییر منظم یک فرم و یا تقارن به دست می‌آید. او به رابطه فضا و زمان در محیط، و در نتیجه ویژگی توالی در ادراک توجه خاصی داشته است. با توجه به مطالب ارائه شده و به عقیده سانتایانا (۱۸۹۶) می‌توان گفت انواع رویکردهای ارائه شده از زیباشناسی ضمن مجزا بودن، مکمل و قابل تطبیق با یکدیگرند. به طور مثال رویکرد نظریه اطلاعات قابل تطبیق با چارچوب نظریات سانتایانا است چراکه ارزش‌های فرمی از اجزای تجربه زیبایی‌شناسی را تشکیل می‌دهد و ارزش‌های فرمی از ساختار پیام به دست می‌آید (لنگ، ۱۳۹۰، ۲۱۰). مطالب فوق که در جدول ۱ به صورت خلاصه بیان شده است با مفاهیم به دست آمده از پژوهش میدانی هم‌پوشانی داشته و مصاحبه‌شوندگان نیز مستقیم و غیرمستقیم به اصول ارائه شده در جدول ۱ اشاره کرده‌اند. (شکل ۴)

زیباشناسی در فرهنگ اسلامی

در فرهنگ اسلامی علامه جعفری مراحل دریافت و ادراک زیبایی را به پنج مرحله تقسیم کرده است، که عبارتند از:
- نگاه یا تماس سطحی (احساس نخستین): در این مرحله تنها ارتباطی بین دو وجه درونی و برونی برقرار شده ولی وجه درونی هنوز

او ارزش‌های حسی را حاصل لذت‌های ناشی از حواس پنج‌گانه و به‌ویژه حس‌های بینایی و شنوایی می‌داند سانتایانا انرژی‌های محرک از قبیل شدت نور، رنگ، صدا، بو و لمس را برای مشاهده‌کننده‌های فضای معماری، لذت‌بخش می‌داند و به همین ترتیب ویژگی‌های فرمی که از طریق ساختار سطوح، بافت‌ها، روشنایی و رنگ به محیط شکل می‌دهند و تداعی‌هایی که الگوها ایجاد می‌کنند را جزء جنبه‌های اصلی تجربه زیباشناسی محیط می‌داند (لنگ، ۱۳۹۰، ۲۱۳). در نظر او موضوع ارزش‌های فرمی لذت‌بخش بودن ساختار یا الگوهای محصول یا فرایند هنری مورد نظر است که از نظم مواد حسی به وجود می‌آیند. بعضی از مباحث ارزش‌های فرمی به طور مستقیم به تناسبات و اصول نظم‌دهنده به الگوها می‌پردازد. ارزش بیانی یا تداعی‌کننده از تصاویر ذهنی ایجاد شده با ارزش‌های حسی نشأت می‌گیرند. از نظر سانتایانا فرایند تداعی فعالیت بی‌واسطه‌ای است که به طور مستقیم به ضمیر خودآگاه وارد می‌شود و می‌تواند منجر به تداعی زیبایی، عملی و منفی شود. ارزش زیباشناختی، دریافت تداعی زیبایی شیء یا اثر توسط مشاهده‌گر است. ارزش عملی، بیان سودمندی یک شیء یا اثر است. ارزش منفی از شوکه شدن، وضعیت غیرمنتظره، ترسیدن یا تجربیات ناخوشایند دیگر بوجود می‌آید (لنگ، ۱۳۹۰، ۲۰۹). در این رابطه جان دوی^{۱۱} (۱۹۳۴) ارزش حسی را بنیادین نمی‌داند، بلکه معتقد است که این ارزش‌ها تنها اطلاعات و

جدول ۱. خلاصه مبانی ارائه شده از زیبایی‌شناسی

مؤلفه‌های زیباشناسی	تعاریف ارائه شده	
زیباشناسی حسی	سانتایانا (۱۸۹۶): زیبایی حاصل لذت‌های حسی به دست آمده از حواس پنج‌گانه است.	
	هالپرین ^{۱۲} (۱۹۶۵): حرکت و تجربیات متوالی در ادراک و دریافت حسی محیط مؤثر و لذت‌بخش است.	
زیباشناسی فرمی	سانتایانا (۱۸۹۶): زیبایی محصول نظم در ساختار یا الگوهای هنری است که به تناسبات و اصول نظم‌دهنده مربوط است.	
	دوی (۱۹۳۴): وحدت بالاترین ارزش فرمی است که با تقارن، ریتم و تناسبات به دست می‌آید.	
	آرنه‌ایم (۱۹۷۷): زیبایی از رابطه نظم و پیچیدگی به دست می‌آید.	
	مولس (۱۹۶۶): هرچه پیام منظم‌تر باشد، مفهوم‌تر و لذت‌بخش‌تر است.	
زیباشناسی نمادین	رپاپورت ^{۱۳} (۱۹۸۲): شیوه‌ای غیرکلامی برای تبادل پیام‌هایی چون شئون اجتماعی، جهان‌بینی و پیشینه خود.	
	سانتایانا (۱۸۹۶): تصاویر ذهنی ایجاد شده باعث تداعی زیبایی، ارزش عملی (سودمندی) و ارزش منفی (ناخوشایندی) می‌شود.	
نظریه اطلاعات	مولس (۱۹۶۶) ارزش‌های فرمی از ساختار پیام به دست می‌آید که لذت‌بخش بودن پیام وابسته به ساختار آن است.	
نشانه‌شناسی	برلین ^{۱۴} (۱۹۷۴): تأکید بر زمینه در تداعی معانی مرتبط با نظام‌های فرهنگی، محیط‌های طبیعی و ساخته شده است.	
معناشناسی	معنای نحوی	چارلز موریس (۱۹۲۸): چگونگی قرارگیری یک ساختمان در محیط اطراف.
	معنای مفهومی	راین واتر ^{۱۵} (۱۹۶۶): به هنجارها، انگاره‌ها یا نگرشی که یک عنصر ارائه می‌دهد.
	معنای عملگرگرا	چارلز موریس (۱۹۲۸): معنایی که نماد را به استفاده‌کنندگان از محیط ربط می‌دهد.

تکوین برسد.» (گروت و وانگ، ۱۳۹۰، ۱۸۰). در این راستا از آنجا که میزان ژرف‌نگری محقق و امکان مصاحبه‌های عمیق با ساکنین، یکی از عوامل اصلی انجام پژوهش‌های کیفی است، معیار انتخاب نمونه‌های موردی، امکان حضور مستمر محقق و داشتن تعلق خاطر شخصی به محیط و امکان مصاحبه مستمر و نظام‌مند با کاربران بوده است. از همین رو محقق با اتکاء به این روش، ابتدا مجموعه هفت‌گانه از خانه‌های سنتی یزد را که متعلق به دانشکده معماری دانشگاه یزد می‌باشد را به‌عنوان نمونه موردی انتخاب کرده است. این خانه‌ها از نظر موقعیت استقرار تقریباً در یک محدوده مکانی قرار دارند و از نظر کیفیت و شمولیت فضایی واجد ارزش‌اند. سپس با حضور مستمر در طی مدت یک‌سال در خانه‌های سنتی مبادرت به ثبت تجربیات شخصی، پیرامون عوامل زیبایی‌بخش معماری سنتی و مصاحبه‌های عمیق با بیست و پنج نفر از ساکنان (دانشجویان معماری - هنر و کارکنان دانشکده) کرده است.^{۱۸} محقق در طی روند مصاحبه، در جستجوی مؤلفه زیبایی‌بخش خانه‌های سنتی یزد، از مصاحبه شونده‌ها می‌خواست: زیبایی خانه‌های سنتی را توصیف کنند؟ و عواملی را که منجر به زیبایی این خانه‌ها شده است را با ذکر دلیل، شرح دهند؟ بعد از استخراج داده‌ها، تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از شیوه‌ی «رهیافت نظامند»^{۱۹} (شامل توصیف و نام‌گذاری داده‌ها در کدگذاری باز، مقایسه و تحلیل در کدگذاری محوری و تبیین الگو و مبانی در کدگذاری انتخابی) صورت گرفته است. باید توجه داشت محقق برای افزایش روایی پژوهش رویکرد نظام‌مندی را به کار برده که عبارتند از: ۱) تطبیق یافته‌ها با مبانی و موجود؛ ۲) درگیر بودن مستمر محقق با پدیده؛ ۳) مشارکت بعضی شرکت‌کنندگان در فرایند پژوهش و ۴) اعمال اصلاحات و اظهار نظرات پژوهشگران خبره در زمینه‌های مرتبط با موضوع پژوهش.

مطالعه موردی

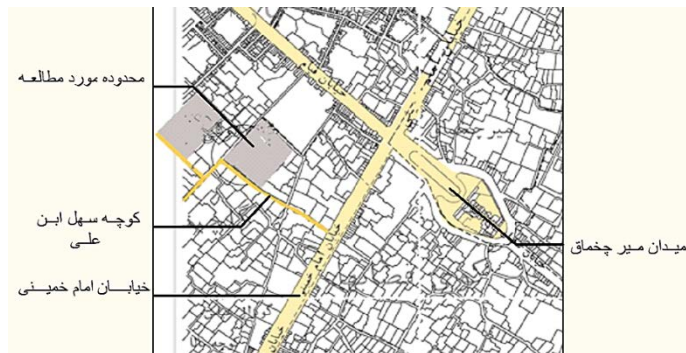
در این پژوهش با توجه به کیفیت حیات‌بخش خانه‌های سنتی یزد و

غیر فعال است و به همین جهت هیچ واکنشی نشان نداده است. - تماشای (نگاه دقیق): در این مرحله وجه درون ذات با ذهنیت خاص خود به صورتی فعال نسبت به قطب برون ذات واکنش نشان می‌دهد که ممکن است به صورت لذت، نفرت، جذب یا دفع باشد. - نظاره داوری (نظر و تحلیل): در این مرحله عقل با کمک «قطب درون ذات» (ذوق حس و شهود) به تطبیق و مقایسه زیبایی با محتویات خود می‌پردازد و آن را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. - نظاره با احساس دوم (بصیرت و دریافت کلی): در این مرحله، این زیبایی جزئی در ارتباط با ادراک کلی از عالم قرار می‌گیرد. یعنی فرد از مجرای قطب درون ذات خود و درکی که نسبت به کل هستی دارد، نگاه دوباره‌ای به مورد زیبا می‌کند و آن را در ارتباط ارگانیک با آنها می‌بیند. - گذر از زیبایی به کمال (شهود): این نگاه، نافذترین مشاهده است که عمق زیبایی را تا سرچشمه آن می‌کاود و چنین نگاهی از عهده قطب درون ذات مردم عادی خارج است.» (جعفری، ۱۳۷۸، ۲۵۵-۲۵۸)

از مطالب فوق چنین بر می‌آید که زیباشناسی در فرهنگ اسلامی نیز در رابطه با درون و بیرون وجود انسان ادراک شده و شامل حوزه‌های معنایی (در ارتباط با پیشینه فکری فرد و تداعی نمادین) حسی (دریافت پیام‌های محیطی از زیبایی) فرمی (ساختارمند بودن محیط و پیام آن) می‌شود. این تحقیق سعی کرده برای دستیابی به معیارهای زیبایی، این حوزه‌ها را در معماری سنتی از منظر ادراک ناظرین و کاربران حاضر در محیط‌های سنتی ملاک ارزیابی قرار دهد.

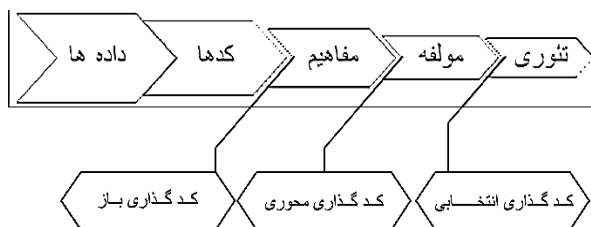
روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع کیفی^{۱۶} است که بر مبنای رویکرد استقرائی و به روش «تئوری برخاسته از زمینه»^{۱۷} انجام شده است. در این روش «پژوهشگر در پی آن است که فارغ از ارائه باورها و تصورها، اجازه دهد شرایط طبیعی محیط، داده‌ها را تعیین کنند که از این طریق نظریه‌ای از میان داده‌ها به



شکل ۱. نقشه موقعیت محدوده مورد مطالعه

مفهوم‌سازی و مقوله‌بندی شده، سپس در کدگذاری محوری با استفاده از یک مدل پارادایمی (مدل الگویی یا سرمشق) رابطه علت و معلولی بین مقوله‌ها تبیین شده است. در آخر از طریق جمع‌بندی داده‌های انتخاب شده و یکپارچه سازی آنها در کدگذاری انتخابی، استنتاج نهایی و تئوری‌سازی انجام شده است. (شکل ۲)



شکل ۲. فرایند اجرای گراند تئوری (ماخذ: استراوس و کوربین، ۱۳۸۵)

پاسخگویی آن به نیازهای روان‌شناختی، خانه‌های سنتی بافت قدیم شهر یزد، واقع در خیابان امام خمینی، کوچه سهیل ابن علی و خانه مهربانو در محدوده زرتشتی محله قاسم‌آباد یزد به عنوان محدوده عمده مورد مطالعه انتخاب گردید. خانه‌های انتخاب شده، هم‌اکنون جزئی از دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه یزد می‌باشند که از نظر موقعیت استقرار تقریباً در یک محدوده مکانی قرار دارند (شکل ۱). این خانه‌ها از شمولیت فضایی و کیفیت حیات‌بخشی ویژه‌ای برخوردارند و به‌طور کلی در دوره‌های تاریخی صفوی، قاجار و پهلوی ساخته شده‌اند. (شرح مختصری از ویژگی این خانه‌ها در جدول ۲ آمده است.)

یافته‌های پژوهش

بر اساس شیوه رهیافت نظام‌مند، نظریه‌پردازی در سه گام اصلی انجام شده است که در گام اول (کدگذاری باز) ابتدا متن مصاحبه‌ها

جدول ۲. معرفی خانه‌های مورد بررسی به‌عنوان نمونه‌های موردی



جدول ۳. کدگذاری باز- مفاهیم و مقوله‌های استخراج شده از متن مصاحبه‌ها

مقوله عمده	مفاهیم اولیه
حضور آب	R ^۱ : نقوش ظریف ارسی نور لطیف و زیباتری را موجب شده است. (۱)
جلوه بخشی به آسمان	R ^۱ : گذر نور از شیشه‌های رنگی ارسی جلوه بیشتری یافته است. (۱)
جلوه بخشی به نور	R ^۱ : حوض آب با ایجاد تصاویر مجازی از بدنه‌ها و ایجاد حس گستردگی فضا، محیط جذاب و با کیفیتی را ایجاد کرده‌اند. (۲)
حضور خاک	R ^۱ : انعکاس نور از آب حوض بر بدنه‌ها باعث شده نور و جداره‌ها جلوه یابند.
حضور درختان	R ^۱ : انعکاس تصویر آسمان در آب ضمن تأکید بر زیبایی آسمان، هارمونی زیبایی بین سه رنگ آبی، سبز، خاکی ایجاد کرده است.
	R ^۱ : عناصر صوری مثل آب، درخت در حیاط به‌عنوان عنصر طبیعی تداعی‌گر زندگی است و فضای دلنشینی به‌وجود آورده است.
	R ^۱ : جلوه بیشتر آسمان در دیده‌های مختلف از طریق طاق‌ها جلوه بیشتری یافته است. (۳)
	R ^۱ : رایحه خوشبوی گل‌ها و بوی نم خاک، فضا را گیراتر کرده است.
	R ^۱ : وجود صدای دلنشین پرندگان در عین سکوت مطبوع در این خانه‌ها پسندیده است.
	R ^۱ : ترکیب متنوع درختان عامل مهمی در زیبایی حیاط است. (۳و۲)
هندسه وحدت‌بخش	R ^۲ : وحدت و یکپارچگی از طریق تکرار و ریتم در مقیاس مشترک نظم خوبی ایجاد کرده است. (۵و۴)
تکرار، ریتم و تناسبات	R ^۲ : تطبیق رنگ مصالح به‌کار رفته باهم‌هارمونی زیبایی به‌وجود آورده است. (۵و۴)
عناصر هم‌خانواده	R ^۲ : چیدمان فضایی تحت یک هندسه متمرکزدهنده باعث وحدت و نظم مثبتی شده است. (۶)
تقارن موضعی هارمونی در رنگ، بافت	R ^۲ : اشکال هم‌خانواده و یک‌شکل باعث یک‌دستی و پیوستگی اجزا محیط شده است که مانع اغتشاش ذهنی می‌شود و حس خوبی دارد. (۵و۴)
ارتباط کالبدی اجزا با هم و با کل	R ^۲ : توالی اشکال و تغییرات تدریجی و وجود ارتباط متوالی اجزا باهم باعث حفظ نظم و وحدت زیبایی شده است. (۵)
تقارن موضعی هارمونی در رنگ، بافت	R ^۲ : تقارن این خانه‌ها صددرصد نیست و تنوع هم در عین تقارن رعایت شده است و این باعث شده فضا در عین سادگی و خوانایی، متنوع باشد. (۶)
ارتباط کالبدی اجزا با هم و با کل	



۱- پنج‌دری خانه رسولیان



۲- حیاط خانه رسولیان



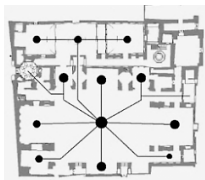
۳- طاق ایوان خانه مهدی رسولیان



۴- نمایی از جداره‌ی حیاط مرتاض



۵- نمایی از جداره‌های حیاط لاری‌ها



۶- هندسه مرکز‌گرایی خانه رسولیان

جدول ۴. کدگذاری باز- مفاهیم و مقوله‌های استخراج شده از متن مصاحبه‌ها

	مفاهیم اولیه	مقوله عمده
 <p>۱- راهروی خانه مرتاض</p>	<p>R^۳: تضاد نور در تاریکی حس خوبی می‌دهد به طوری که وقتی وارد فضای روشن می‌شوم جلوه نور و رهایی به شدت ملموس است. (۱)</p> <p>R^۳: فضاهای تنگ و گشاد در کنار هم تضاد زیبایی بوجود می‌آورد که باعث شده فضای باز بهتر درک شود. (۱)</p>	<p>- توالی و هم‌پوشانی فضا</p> <p>- خلاءسازی در فضا</p> <p>- تأکید بر تضاد</p>
 <p>۲- طاقدچه خانه پیرنیا</p>	<p>R^۳: تداخل فضایی و توالی دید در فضاها باعث شده فضاها در هم جاری شوند و عمق دید ناظر افزایش یابد و فضا گسترده‌تر به نظر برسد. (۶)</p> <p>R^۳: فرورفتگی جداره و سقف باعث شده فضا دل‌بازتر به نظر برسد و نوعی انبساط فضایی یا بسط فضایی را به وجود می‌آورد. (۴)</p>	<p>- تنوع در کیفیت فضاها</p> <p>- توجه به بسط فضایی</p> <p>- خاطره‌برانگیزی در فضا</p> <p>- توجه به معانی نمادین</p>
 <p>۳- تزیینات سقف خانه مرتاض</p>	<p>R^۳: وجود طاقدچه برای اشیاء شخصی و وسایلی مورد علاقه باعث شده احساس تعلق بیشتری به مکان داشته باشم. (۲)</p> <p>R^۳: نقوش زیبا در اجزای در و پنجره‌ها و استفاده از تزییناتی که برایم آشنا هستند و خاطره‌اتی را برایم زنده می‌کند حس دلنشینی است. (۳ و ۵)</p> <p>R^۳: تأکید بر معانی و مفاهیمی مثل وحدت در ایجاد فضا و نقوش تزیینی (گچ بری‌های سقف و پنجره‌ها و هندسه عناصر) باعث شده محیط با بیشینه فکری‌مان هم‌خوان‌تر شود و این غیرمستقیم آرامش بخش است و فضا را خواناتر می‌کند. (۳ و ۵)</p>	
 <p>۴- طاق خانه لاری‌ها</p>	<p>R^۳: تأکید بر محور عمودی و مرکزیت در این خانه‌ها از طریق برافراشتگی سقف‌ها نوعی مفهوم معنوی را برایم تداعی می‌کند. (۴ و ۶)</p>	
 <p>۵- تزیینات در خانه پیرنیا</p>		
 <p>۶- دیدهای ممتد خانه رسولیان</p>		

راهکارها		
تأکید بر عناصر طبیعت	وحدت بخشی	جلوه بخشی به فضا
تجلی رایحه خوشبو و خاطره‌انگیز (بوی نم و خاک)	مقایسه بودن اجزای فضایی و کالبدی بنا	رنگ روشن در فضاهای داخلی
جلوه بارز آسمان در دیدهای مختلف از طریق طاق‌ها و حوض آب	وجود عوامل وحدت بخش چون استفاده از مصالحی که از نظر جنس و رنگ در یک توانایی رنگی اند	برافراشتگی سقف به طرف بیرون و فرورفتگی دیوار
استفاده از مصالح خاکی مثل خشت و آجر و سفال در کف، سقف و ...	تغییر تدریجی اشکال جدارها	بسط فضا از طریق انعکاس آب
تأکید بر عناصر طبیعی از طریق ایجاد باغچه در اطراف حوض میانه حیاط	مرکزگرا بودن هندسه بنا و خوش‌تناسب بودن اجزا	جلوه فضایی با تصاویر مجازی از طریق حوض آب
وجود صدای دلنشین پرندگان در سکوت قضاها	استفاده از مقیاس مشترک در عناصر فضایی	تضاد نور در تاریکی در برخی قضاها
نورپردازی، ریختش و رنگی از طریق ارسی با شیشه‌های رنگی	تقسیم‌بندی جدارها بصورت ریتمیک	بسط و جلوه فضا با استفاده از جداره‌های شفاف و ایجاد دید به عرصه باز
جلوه نور لطیف روی بدنه دیوارها و سقف بوسیله انعکاس از آب حوض	وجود هندسه وحدت‌بخش و تقارن موضعی	جلوه گشودگی در حیاط از طریق وجود فضاهای بسته و تنگ
جلوه سایه‌روشن در پرو خالی جداره	وجود تکرار، ریتم و تناسب در اجزای جدارها	وجود تنوع در فضاهای مختلف (باز بسته و نیمه باز) با کیفیت‌های متفاوت
	پیوستگی قضاها و عناصر	تنوع فضایی و تنوع در چشم‌اندازها
	وجود هارمونی رنگ و بافت در بنا	
	ارتباط اجزاهای با هم و با کل و عناصر هم‌خانواده	
	تأکید بر معنا	
	تأکید بر محور عمودی با برافراشتگی سقف و تأکید بر آسمان	
	نقوش زیبا و نمادین در تزیینات در و پنجره و جدارها	
	وجود تاقچه برای اشیای شخصی که مورد علاقه است (تقویت خاطره‌برانگیزی و حس تعلق)	

شرایط میانجی		شرایط علی	
خاطره‌برانگیزی		واحد دیده شدن کل قضاها در عین تنوع	
مانده‌زدایی و خاصیت انعکاس دهندگی آب		ایجاد هم‌ذات پنداری یا فضا دلنشین بودن قضاها	
امکان درک صدای دلنشین پرندگان		جلوه‌گری نیروهای زنده و زیبایی طبیعت	
شرایط زمینه‌ای			
همخوانی بناهای همجوار در شهر یزد			
پدیده			
تجلی وحدت	افزایش جلوه‌گری فضا در دید ناظر	تأکید بر طبیعت و حیات‌بخشی	تجلی معانی و مفاهیم معنوی
پیامد			
تجزید فرایند حیات	همگرایی در عین انبساط قضاها	افزایش حس تعلق	دلپاژ شدن فضا
جلوه بخشی به کیفیت فضا	حفظ شتابی - حفظ بویایی - حفظ بصری		سازگاری با فضا

شکل ۳. مدل پارادایمی کدگذاری محوری داده‌ها در رابطه با مؤلفه زیبایی

کدگذاری باز

گفته می‌شود؛ عنوان یا نامی که برای مقولات انتخاب می‌شود کلی‌تر از مفاهیمی است که مجموعاً آن مقوله را تشکیل می‌دهند و باید بیشترین ارتباط را با داده‌هایی داشته باشد که مقوله نمایانگر آن است (استرواس و کوربین، ۱۳۸۵). در گام بعد، برای روشن‌تر کردن مقوله‌ها خصوصیات آنها بیان می‌شود. شناسایی خصوصیات پایه ایجاد روابط بین مقوله‌ها و رسیدن به نظریه است. در جدول کدگذاری باز سعی

در اولین مرحله داده‌ها برای به دست آوردن مشابهت‌ها و تفاوت‌هایشان بررسی و خرد می‌شوند. (منظور از خرد کردن و مفهوم‌پردازی این است که به هر کدام از حوادث، کنش‌ها و ایده‌هایی که در داده‌ها وجود دارد، داده می‌شود) در مرحله بعد یا همان کدگذاری باز ثانویه، خود مفاهیم بر اساس مشابهت‌هایشان طبقه‌بندی می‌شوند (به این کار مقوله‌پردازی

وجود عوامل وحدت‌بخش، توجه به معنا و عوامل تداعی‌کننده می‌باشد و شرایط «میانجی» و «زمینه» نیز به ترتیب شامل خاطره‌برانگیزی شخصی و تزیینات مرسوم و جلوه دادن به درختان، آب، آسمان، نور و خاک و هم‌خوانی بناهای هم‌جوار در ایجاد چشم‌اندازهای هماهنگ بوده است. به‌وجود آمدن این شرایط، به‌واسطه «راهکارهایی» صورت پذیرفته است که در شکل ۳ بیان شده است. این پدیده‌ها «پیامدهایی» چون جلوه‌بخشی به فضا، همگرایی فضا، بسط فضایی یا دل‌باز شدن فضای زیست، تجلی عناصر زنده، تجلی زیبایی، تجرید مفاهیم معنوی، حظّ شنوایی و حظّ بویایی را به دنبال داشته‌اند. نتایج به‌دست آمده در کدگذاری محوری، در مدل پارادایمی (استراوس - کوربین) در شکل ۳ آمده است.

کدگذاری انتقابی

کدگذاری انتخابی، مرحله اصلی نظریه‌پردازی است که به تولید نظریه پرداخته و مقوله محوری را به شکلی نظام‌مند به دیگر مقوله‌ها ربط

شده برای تکمیل و تأیید داده‌های به‌دست آمده، عکس‌هایی که مصداق کدها و مقوله‌های به‌دست آمده‌اند نمایش داده شوند. مفاهیم حاصل شده در قالب مقوله‌های عمده و مفاهیم اولیه (مطابق با متن مصاحبه‌ها) طبقه‌بندی شده‌اند و در جدول‌های ۳ و ۴ به‌طور مفصل گردآوری و تبیین شده‌اند.

کدگذاری محوری

هدف این مرحله برقراری رابطه بین مقولات تولید شده در کدگذاری باز و رسیدن به مؤلفه‌ها یا مقوله‌های هسته است. در این مرحله با اتکاء به مدل پارادایمی استراوس و کوربین^{۲۰} می‌توان گفت: چهار پدیده از جمله (۱) وحدت‌بخشی؛ (۲) جلوه دادن به زیبایی طبیعت؛ (۳) توجه به عمق دید ناظر در فضا و (۴) تأکید بر معنا و عناصر نمادین، به‌صورت بارز در خانه‌های سنتی یزد دیده شده، و از نظر بازدیدکنندگان عامل اصلی زیبایی این خانه‌ها به‌شمار می‌روند. این پدیده‌ها تحت تأثیر سه شرایط علی، زمینه‌ای و میانجی به‌وجود آمده‌اند که در آن شرایط علی شامل:

مقوله محوری: مؤلفه‌های زیبایی‌بخش خانه‌های سنتی یزد



شکل ۴. نتایج حاصل از کدگذاری انتخابی

ایرانی قرار گرفته است. نتایج این مرحله نشان می‌دهد مؤلفه‌های زیبایی استخراج شده در این پژوهش از جمله عواملی هستند که با عناوین مختلف، در تحقیقات و نظریه‌های متعددی نیز مورد اشاره بوده‌اند. بنابراین طبق نتایج به‌دست آمده از این تحقیق و مطالعات صورت گرفته قبلی می‌توان گفت چهار عامل وحدت بخشی، جلوه بخشی به فضا در دید ناظر، جلوه بخشی به عناصر طبیعت و توجه به معنا و ایجاد هم‌ذات‌پنداری از جمله مهم‌ترین عوامل زیبایی بخش خانه‌های سنتی (یزد) است. نتایج حاصل از این مقایسه به‌صورت جزئی‌تر، در رابطه با چهار مؤلفه استخراج شده، در جدول ۵ آمده است.

داده و روابط را در چارچوب یک روایت روشن می‌کند (استراوس و کوربین، ۱۳۸۵). در این مرحله که بر اساس نتایج دو مرحله قبلی انجام می‌شود مؤلفه‌های زیبایی بخش خانه‌های سنتی یزد به عنوان مقوله محوری در نظر گرفته شده‌اند، که بعد از تجزیه و تحلیل مجدد، در قالب شکل ۴ بیان شده است.

مقایسه تطبیقی یافته‌ها با مبانی از پیش موجود

در این مرحله نتایج به‌دست آمده از سه مرحله کدگذاری باز - محوری - انتخابی در یک مقایسه تطبیقی با مبانی موجود درباره معماری اسلامی

جدول ۵. مقایسه تطبیقی یافته‌ها با مبانی از پیش موجود

یافته‌ها	مبانی از پیش موجود
وحدت بخشی	تکرار نقش مایه‌های هندسی و تناوب در وزن‌ها در معماری سنتی، وحدت در کثرت را نمودار می‌سازد (۱۳۴). معماری سنتی به مستقیم‌ترین وجه، وحدت در کثرت را نمودار می‌سازد (۱۳۴). معماری اسلامی به روشنی و به سادگی تمایل دارد (۱۳۸-۱۳۹).
جلوه بخشی به زیبایی طبیعت	مرکزیت در اسلام، کفیتی است که در بطن آن وحدت نهفته است (۴۸). تمام اشکال هندسی در معماری سنتی گرایش به یک مقصود مرکزی دارند (۷۳). در معماری سنتی طیف رنگ‌ها بازتاب‌دهنده شخصیت رنگ اصلی اند و رنگ‌های ثانویه تقویت کننده رنگ اصلی اند (۸۰). معماری سنتی ایران از طریق تنوع کم در مصالح، تکرار و شکل‌های محدود به وحدت دست می‌یابد (۱۱۹).
جلوه بخشی به زیبایی طبیعت	معماری ایرانی در عین زیبایی با طبیعت در حالت هماهنگی است (۳۴). مفهوم باغ الهام بخش حس مکان در معماری ایرانی بوده است که در صورت حیاط تجلی یافته است (۱۶).
جلوه بخشی به فضای	رابطه‌ای مردم دیرینه ایرانی - اسلامی با طبیعت، بر اساس احترام به طبیعت و همزیستی با آن است (۱۱۱). آب به عنوان عنصری از طبیعت نقش حیاتی بر عهده دارد و مانند آهن ربایی فضا را قطب بندی می‌کند (۹۰). بی‌کرانی آشکار فضا را می‌توان با اشاره به آسمان جهت‌دار کرد. فضا به این شکل جنبه کیفی پیدا می‌کند (۴۳).
حضور معنا	انعکاس آبی آسمان و نظم کالبدی بناها در حوض مرکزی باعث عمق و دامن زدن به تناسب و تقارن اطراف می‌شود (۵۰). در حیاط خانه‌ها از حوض برای انعکاس زیبای محیط و نمایش مضاعف زیبایی فضا ایجاد شده (۱۳).
نمایندگاری به عنوان عامل زیبایی از طریق نشانه‌ها باعث دریافت انسان از گوهر خویش است (۸۶).	در معماری سنتی زبان نمادین با ترکیب ریاضیات، علوم طبیعی و کیمیاگری به دست می‌آید. خطوط، اعداد، اشکال و رنگ‌ها اسلوب‌های بیانی منسجمی برای روح بیداری که به دنبال بیان ظاهری است فراهم می‌کنند (۳۹).

نتیجه گیری

همان‌طور که بیان شد طبق منابع اسلامی و روان‌شناسی، انسان به زیبایی گرایش دارد و همواره سعی می‌کند نمود زیبایی را در زندگی و فضای زیستن خویش در نظر بگیرد. از همین رو شناسایی معیارهای زیبایی‌بخش معماری، دارای اهمیت بسزایی است. یکی از نمونه‌هایی که می‌توان معیارهای زیباشناسی را در آن مورد تأمل و ارزیابی قرار داد خانه‌های سنتی و ارزشمند یزد است که همواره مورد توجه بسیاری از کاربران و بازدیدکنندگان قرار گرفته‌است. توجه به مؤلفه‌های زیبایی‌بخش این خانه‌ها بر اساس ذوق و احساسات درونی انسان (ادراکات حسی) به‌عنوان ناظرین محیط می‌تواند زمینه‌ساز سنجش زیبایی و استخراج معیارهایی برای آن باشد. پژوهش انجام شده در این تحقیق نشان می‌دهد معماری سنتی که بر مبنای نظر افراد حاضر در فضای هفت‌گونه از خانه‌های سنتی یزد صورت گرفته، بیانگر مؤلفه‌هایی از کیفیت و زیبایی است که عبارتند از: (۱) تأکید بر عناصر طبیعت از طریق جلوه‌بخشی به پنج عنصر طبیعی چون: آسمان، درخت، آب، خاک و نور؛ (۲) جلوه‌بخشی به فضا در دید و ادراک ناظر از طریق ایجاد تضاد، بسط فضایی، ایجاد هم‌پوشانی و تداخل فضایی و ایجاد دیده‌های متوالی از طریق جداره‌ها و مرزبندی شفاف و ایجاد تصاویر مجازی؛ (۳) تجلی وحدت در نظم و سادگی با استفاده از عواملی چون- تقارن موضعی در اجزا کالبدی بنا و پلان - هندسه مرکزگرا در فضای کالبدی و پلان - به‌کارگیری ریتم و تکرار به منظور یکپارچگی و پیوستگی - استفاده از عناصر هم‌خانواده و هارمونی در اجزا؛ (۴) تجلی معنا و ایجاد هم‌ذات‌پنداری با فضا با توجه به پدیده‌های ذهن‌آشنا، عناصر و تزیینات خاطره‌برانگیز نمادین. وجود این مؤلفه‌ها می‌تواند منجر به بروز پیامدهایی چون: حظ بصری؛ حظ شنوایی؛ حظ بویایی، تجرید فرایند حیات؛ دل‌باز شدن فضا و افزایش عمق دید ناظر در فضا، ایجاد حس تعلق و پاسخگویی به بعد «کمال‌گرای» انسان باشد. از سوی دیگر با توجه به مطالب ذکر شده در مورد معیارهای زیباشناسی خانه‌های سنتی یزد و نتایج حاصل از مطالعات کتابخانه‌ای می‌توان گفت معیارهای زیباشناسی خانه‌های سنتی قابل تطبیق با سه مرتبه زیبایی‌شناسی نمادین (توجه به معانی- نشانه‌ها): پیام‌های پیچیده‌ای که به طور مستقیم قابل دریافت نیستند، زیباشناسی فرمی (توجه به ساختار محیط و پیام‌هایی قاعده‌مند و دارای نظم) و زیباشناسی حسی (واکنش مثبت نسبت به محرک‌های خارجی از طریق حواس و بدون دخالت ضمیر خودآگاه- لذت‌آنی) است. بنابراین سه مرتبه معنا، ساختار فرم، زیباشناسی حسی سه عامل اصلی در ادراک زیبایی و زیباشناسی هستند.

پی‌نوشت‌ها

1. Titus Burckhardt
2. Abraham Maslow
3. empirical aesthetics
4. Abraham Moles
5. Speculative Aesthetics
6. hermeneutic
7. phenomenological
8. existential
9. political
10. George Santayana
11. John Dewey
12. Halprein
13. Rappaport
14. Berlyne
15. Rain Water
16. Qualitative
17. Grounded theory
۱۸. محقق دوره تحصیل خود را در دانشکده هنر و معماری یزد که در خانه‌های سنتی یزد برگزار می‌شد، گذرانده است. لذا حضور مستمر در این خانه‌ها و تعلق خاطر بدان و امکان مصاحبه و مشاهده‌های روزانه در طی یکسال و نیم تحصیل در این خانه‌ها، فراهم بوده است.
۱۹. به نام اثر استراوس- کوربین
20. Strauss and Corbin

فهرست مراجع

۱. استراوس، انسلم، آ؛ و کوربین، جولیت. (۱۳۸۵). اصول روش تحقیق کیفی؛ نظریه‌های مبنایی، رویه‌ها و شیوه‌ها. (بیوک محمودی، مترجم). تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۲. اردلان، نادر؛ و بختیار، لاله. (۱۳۹۰). حس و حلیت نقش سنت در معماری ایرانی. (ونداد جلیلی، مترجم). تهران: موسسه علمی پژوهشی علم معمار روپال.
۳. اردلان، نادر. (۱۳۷۴). معماری ایرانی در سخن چهار نسل از معماران. مجله آبادی، (۱۹)، ۱۵-۱۸.
۴. امین‌زاده، بهناز. (۱۳۸۹). ارزیابی زیبایی و هویت مکان. هویت شهر، (۷)، ۳-۱۴.
۵. بووی، اندرو. (۱۳۸۵). زیبایی‌شناسی و ذهنیت از کانت تا نیچه. (فریبرز مجیدی، مترجم). تهران: فرهنگستان هنر.
۶. بورکهارت، تیتوس. (۱۳۶۵). هنر/اسلامی؛ زبان و بیان. (مسعود رجب‌نیا، مترجم). تهران: سروش.
۷. تقوایی، ویدا. (۱۳۸۶). نظام فضایی پنهان معماری ایرانی و ساختار آن.

publishing corp.

22. Dewey, J. (1934). *Art as Experience*. New York: Putnam.
23. Eliade, M., & Adams, C.J. (1987). *The Encyclopedia of Religion*. (2thed). New York: Macmillan.
24. Gibson, J. J. (1979). *An Ecological Approach to visual perception*. Boston: Houghton Mifflin.
25. Helson, H. (1948). Adaptation Level as a Basis for a Quantitative Theory of Frames of Reference. *Psychological Review*, 55, 297-313.
26. Halprein, L. (1965). Motation. *Progressive Architecture*, 46(7), 126- 133.
27. Morris, C. (1938). *Foundations of a theory of signs*. Chicago: University of Chicago press.
28. Moles, A. (1966). *Information theory and esthetic perception, urban*. ILL.: University of Illinois press.
29. Nasr, S. H. (1987). *Science in Islam*. (A. soroush, Trans.). Tehran: Soroush Press, p. 17. 26.
30. Rappaport, A. (1982). *The Meaning of The Built Environment: A nonverbal Communications Approach*. Beverly Hills, CA: Sage.
31. Rainwater, L. (1966). Fear and House as Haven in the Lower Class. *Journal of the American Institute of planners*, 32(1), 23-31.
32. Santayana, G. (1896). *The Sense of Beauty*. Reprinted. New York: Dover.

هنرهای زیبا، (۳۰)، ۴۳-۵۲.

۸. جعفری، محمد تقی. (۱۳۷۸). *زیبایی و هنراز دیدگاه اسلام*. تهران: نشر کرامت.
۹. دورانت، ویل. (۱۳۷۸). *لدت فلسفه*. (عباس دریاب خویی، مترجم). تهران: نشر علمی فرهنگی.
۱۰. طوفان، سحر. (۱۳۸۵). بازشناسی نقش آب در حیاط خانه‌های سنتی ایران. *باغ نظر*، ۶ ۷۲-۸۱.
۱۱. عینی فر، علیرضا. (۱۳۸۲). الگویی برای تحلیل انعطاف‌پذیری در مسکن سنتی ایران. *هنرهای زیبا*، (۱۳)، ۶۴-۷۷.
۱۲. فارابی، ابونصر. (۱۳۶۷). *شرح منظومه*. (سید جعفر سجادی، مترجم). تهران: انتشارات علمیه اسلامی.
۱۳. گروتز، یورگ. (۱۳۷۵). *زیباشناختی در معماری*. (جهانشاه پاکزاد و عبدالرضا همایون، مترجمان). تهران: نشر دانشگاه شهید بهشتی.
۱۴. گروت، لیندا؛ و وانگ، دیوید. (۱۳۹۰). *روش‌های تحقیق در معماری*. (علیرضا عینی فر، مترجم). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۵. لنگ، جان. (۱۳۹۰). *آفرینش نظریه معماری: نقش علوم رفتاری در طراحی محیط*. (علیرضا عینی فر، مترجم). تهران: دانشگاه تهران.
۱۶. مطهری، مرتضی. (۱۳۷۳). *فطرت*. تهران: انتشارات صدرا.
۱۷. مسائلی، صدیقه. (۱۳۸۸). نقشه پنهان به مثابه دست آورد باورهای دینی در مسکن سنتی کویری ایران. *هنرهای زیبا*، (۳۷)، ۳۸-۲۷.
۱۸. مازلو، آبراهام اچ. (۱۳۶۶). *انگیزش و شخصیت*. (احمد رضوانی، مترجم). مشهد: معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی.
۱۹. نصر، سیدحسین. (۱۳۸۰). *معرفت و معنویت*. (انشالله رحمتی، مترجم). تهران: دفتر پژوهش و نشر سهروردی.
۲۰. نایبی، فرشته. (۱۳۸۱). *حیات در حیاط*. تهران: نزهت.
21. Berlyne, D. E. (1974). *Studies in The new Experimental Aesthetics*. Washington, d. c.: hemisphere